

دوازده قرن تاریخ شعر و ادب

در ایران (جلد سوم)

قرن یازدهم هجری تا عصر حاضر

نگارش: دکتر...

مهندس پرویز نظامی



تهران - ۱۳۹۸

سرشناسه	نظامی، پرویز
عنوان و نام پدیدآور	دوازده قرن تاریخ شعر و ادب در ایران / پرویز نظامی.
مشخصات نشر	تهران، انتشارات گوتنبرگ، ۱۳۹۷.
مشخصات ظاهری	ج ۳
شابک	شابک دوره 2 - 4 - 99875 - 600 - 978 ISBN
	شابک ج ۱ 5 - 3 - 99875 - 600 - 978 ISBN
	شابک ج ۲ 9 - 5 - 99875 - 600 - 978 ISBN
	شابک ج ۳ 6 - 6 - 99875 - 600 - 978 ISBN
وضعیت فهرست‌نویسی	فیبا.
مندرجات	ج ۱. قرن دوم تا قرن ششم هجری؛ ج ۲. قرن هفتم تا قرن دهم هجری؛ ج ۳. قرن یازدهم تا عصر حاضر.
موضوع	شعر فارسی -- تاریخ و نقد.
موضوع	Persian poetry -- History and criticism
موضوع	ادبیات فارسی -- ایران -- تاریخ و نقد.
موضوع	Persian literature -- Iran -- History and criticism
موضوع	شاعران ایرانی -- سرگذشت‌نامه‌ها.
موضوع	Poets, Persian -- Biography
موضوع	۸ فا ۱/۰۰۹
موضوع	ن ۶د ۹۷ / ۱۳۹۷ PIR ۳۵۴۸
موضوع	۵۳۴۷۶۸۴



انتشارات گوتنبرگ

دوازده قرن تاریخ شعر و ادب

در ایران (جلد سوم)

گردآوری و نگارش

مهندس پرویز نظامی

چاپ دوم: ۱۳۹۸، تیراژ: ۱۵۰ نسخه

حروفچینی: گنجینه - چاپ: تهران

کلیه حقوق برای گردآورنده محفوظ است.

پخش: انتشارات گوتنبرگ

تهران - خ انقلاب رو بروی دانشگاه تهران

تلفن: ۶۶۴۰۲۵۷۹ - ۶۶۴۱۳۹۹۸ - ۶۶۴۶۵۶۴۰

مشهد - احمدآباد، انتشارات جاودان خرد تلفن: ۸۴۳۴۵۲۷

شابک جلد سوم: 6 - 6 - 99875 - 600 - 978 ISBN

شابک دوره: 2 - 4 - 99875 - 600 - 978 ISBN

۷۰/۰۰۰ تومان

فهرست

۵	و سبب بقی
۲۳	صائب تبریزی
۳۰	هاتف اصفهانی
۴۵	غزالی مشهدی
۶۱	دوره بازگشت ادبی
۷۴	نشاط اصفهانی
۸۳	ملک الشعراء محمودخان صبا
۸۸	سروش اصفهانی
۹۸	مجموعه اصفهانی
۱۰۵	وصال شیرازی
۱۱۱	قائمی شیرازی
۱۲۸	فروغی بسطامی
۱۳۸	ایرج میرزا
۱۴۵	ملک الشعراء بهار
۱۸۲	پروین اعتصامی
۱۹۳	نیما یوشیج
۲۱۱	علی اکبر دهخدا
۲۱۶	عارف قزوینی

۲۳۵	میرزا حبیب خراسانی
۲۴۲	ژاله قائم مقام فراهانی
۲۵۱	پژمان بختیاری
۲۶۱	غمام همدانی
۲۶۶	دکتر مهدی حمیدی شیرازی
۲۹۶	سهراب سپهری - شاعر عارف
۳۲۹	فریدون مشیری
۳۵۳	احمد شامله
۳۶۷	محمدباقر نهمی (الفت)
۳۸۹	خان بابا میرزایی (خاننی)
۳۹۸	عماد خراسانی
۴۲۰	مهدی سهیلی
۴۳۶	فریدون توللی
۴۴۹	غوغا خلعتبری
۴۵۷	رهی معیری
۴۶۸	شهریار
۴۷۸	فروغ فرخزاد
۴۸۲	سیمین بهبهانی
۴۹۷	دکتر محمدرضا شفیعی کدکنی شاعری پژوهشگر
۵۱۰	هوشنگ ابتهاج «سایه»
۵۳۷	دکتر هرمز منصوری
۵۵۱	بدری ترویج
۵۵۹	نسرین خزایی
۵۷۵	مریم نظامی (ورزنده) شاعری هنرمند
۶۰۳	حسن نیک‌بخت، شاعر صبرها و آرزوها

وحشی بافقی

مولانا شمس‌الدین و یا به قولی کمال‌الدین محمد وحشی بافقی یکی از شاعران زبردست و کم‌نظیر قرن دهم هجری قمری است که در زمان حیاتش نه تنها در ایران بلکه در هندوستان و سایر مناطق آسیایی هر جا که زبان و شعر فارسی رونق داشت از شهرت و محبوبیت خاصی برخوردار بود. این شاعر ایرانی وطن‌پرست در زمانی که اکثر شعرای ایران به خاطر بی‌اعتنایی و بی‌مهری‌های سلاطین صفوی نسبت به کار شعر و ادب و فرهنگ در ایران جلای وطن کردند و به آغوش پرمهر و محبت سلاطین هند به هندوستان مهاجرت نمودند، تمام سیمش را در شهر یزد گذراند، دیوان اشعار او که امروز موجود است و احتمالاً مقادیر بسیاری از آن در طول زمان از بین رفته حاوی حدود ده هزار بیت می‌باشد.

مولانا شمس‌الدین محمد بافقی که به «وحشی» تخلص می‌کرد و به نام وحشی بافقی معروف است در حدود سال ۹۲۹ قمری به قول آذر تذکره‌نویس و مؤلف آتشکده «در مجلس باده، پایه عالم بقا نهاده است» در تمام مدت عمر خود خواجه شیراز از مسافرت‌های دور و طولانی احتراز می‌کرد و به جز به کاشان و عراق سفری نکرد، ولی برخلاف حافظ با وحشت «زندان سکندر» نامی که حافظ بر شهر یزد گذارده بود می‌ساخته و در شهر یزد خوش بوده است. وفاتش در سال ۹۹۷ و یا ۹۹۹ در شهر یزد اتفاق افتاد و این غزل پرشور یادگاری است از او که بر روی سنگ قبرش حک گردیده بود:

کردیم نامزد به تو، نابود و بود خویش
 گشتیم هیچکاره، به ملک وجود خویش
 غماز در کمین گهرهای راز بود
 قفلی زدیم، بر در گفت و شنود خویش
 من بودم و نمودی و باقی، خیال تو
 رفتم که پرده‌ای بکشم، بر نمود خویش
 یک وعده خواهم از تو، که باشم در انتظار
 حاکم تویی، در آمدن دیر و زود خویش
 بزم نشاط یار کجا و یں فغان زار

وحشی نوای مجلس غم کن، سرود خویش
 دوران حیات وحشی باقر مصادف بود با پادشاهی شاه تهماسب صفوی و شاه اسمعیل دوم و او در اشعارش شاه تهماسب را ستوده و دربارهٔ جلوس شاه اسمعیل دوم نیز ماده تاریخی ساخته است.

وحشی از خاندانی متوسط در بافق برخاسته به برادر بزرگتر او مرادی بافقی نیز از شاعران روزگار خود بود و در تربیت وحشی و آشنا کردنش با محفل‌های ادبی اثر بسیار داشت ولی پیش از آنکه وحشی در کار شاعری به سرایت برسد بدرود حیات گفت و وحشی در اشعارش از او چند بار یاد کرده است. وحشی بافقی به غیر از برادرش در خدمت شرف‌الدین علی بافقی به کسب دانش و ادب پرداخت. این شرف‌الدین علی بافقی نیز از شاعران و ادیبان زمان خود و از ستایشگران شاه تهماسب و دارای دیوانی از قصیده و غزل حدود چهار هزار بیت است.

وحشی پس از آموختن مقدمات شعر و ادب از بافق به یزد و از آنجا به کاشان رفت و چندی در آن شهر سرگرم مکتب‌داری بود و پس از مدتی به یزد بازگشت و همانجا تا پایان زندگی رحل اقامت افکند.

وحشی بافقی مردی پاکباز، وارسته، حساس، خرسند، بلند همت و گوشه‌گیر بود و علی‌رغم دعوت‌هایی که امیران و سرداران و بزرگان دربار پادشاهان گورکانی از او برای سفر و اقامت در هندوستان کردند، وحشی ایران را ترک نکرد و در یزد باقی ماند.

مقصود و هدف او از شاعری در حقیقت اشتغال به هنر و ادب و بیان اندیشه‌ها و احساس‌های خود از آن راه بود، نه کسب مال و جاه و مقام. در دستگاه حکومتی یزد با عده‌ای از شاعران محلی از جمله مولانا موحدالدین فهمی و تقی‌الدین کاشانی و محتشم کاشانی به کار شاعری اشتغال داشت. کلیات اشعار او شامل قصیده - ترکیب‌بند - ترجیع‌بند - غزل - قطعه و مثنوی است.

ترکیب‌بندها و ترجیع‌بندهای او، خاصه مربع و مسدس آنها همه از اشعار بسیار زیبا و دلپذیر عهد صفوی است. ساقی‌نامه طولانی او که به صورت ترجیع‌بند سروده شده، در نوع - که کم‌نظیر است و بعد از وحشی بر همان وزن و با همان مفاهیم و نحوه بیان موضوع‌ها بارها مورد استقبال و پاسخگویی شاعران عهد صفوی قرار گرفت. همین ارزش را مسدس - ترکیب‌ها و مربع ترکیب‌های وحشی در شعر غنایی فارسی دارد و از دل‌انگیزی و جذابیت به درجه‌ای است که کمتر پارسی زبان شعردانی است که همه یا بخشی از آن را در سطرانگه نداشته باشد. این مسدس و مربع ترکیب‌ها را می‌توان از بهترین نمونه‌ها در شعر فارسی دانست زیرا نهایت قدرت شاعر در بیان دلباختگی و حالات دلدادگی خود را می‌رساند. نیز توضیح ماجراهایی که میان او و معشوقش در جریان بوده است. همین طرز زیبای بیان واقعه را هم شاعر در غزل‌های خود با چیره‌دستی به کار گرفته. غزل‌های وحشی بافقی سرآمد اشعار اوست و بیشتر آن‌ها در صف اول اشعار غنایی پارسی قرار دارند. در اغلب آنها احساس‌های تند شاعر و عاطفه حاد و تأثر و درد درونی او بازبانی شیوا و در همان حال ساده و روان، به روشنی هر چه تمام‌تر دیده می‌شود.

کلام وحشی برخلاف نام او وحشی و غریب نیست و با دایره‌ای پرباشان آشنایی‌ها دارد. الفاظ و ترکیباتش ساده و روان و معانی اشعار او واضح و روشن است و خواننده بی‌زحمت تفکر در نظر اول مقصود شاعر را درک می‌کند و احساس وجد و لذت و سرمستی به او دست می‌دهد.

چند بیتی که در وصف شب سروده است و از رنج تنهایی و سوز عشق شکوه و شکایت کرده از قطعات بسیار زیبا و کم‌نظیر وحشی است که رقت طبع و لطف تعبیر او را به خوبی نشان می‌دهد.

شبی سامان ده صد مایه غم غم افزا چون سواد خط ماتم
تو گفתי از فلک انجُم نمی تافت به زحمت خواب راه دیده می یافت
بلایی، خویش را شب نام کرده ز روز من سیاهی، وام کرده
چو بخت من جهانی رفته در خواب من از افسانه اندوه، بی تاب
چرا غم را نشانده صرصرآه من و جان کندن شمع سحرگاه

بعضی از ابیات وحشی از فرط سادگی و بی پیرایگی سوزنده و لرزاننده است و در روح خواننده تأثیری عمیق دارد:

یک دم و هم نفس ندارم می میرم و هیچ کس ندارم

پروانه ام و عادت من ساجتن خویش تا پاک نسوزم دلم آسوده نگردد
وحشی با آن که در راه از رعم شاه اسمعیل تولد یافته و به طوری که متذکر شدم از شعرای دوره صفویه محسوب می شود و طبعاً بایستی از سبک و شیوه آن زمان پیروی کند ولی آثار او با اشعار گویندگان عهد سفری متفاوت است.

ما چون ز دری، پای کشیدیم، کشیدیم ز هر کس که پریدیم، پریدیم
رم دادن صید خود از آغاز، خطا بود حالا که رماندی و رمیدیم، رمیدیم
دل نیست کبوتر، که چو برخاست نشیند از گشت و خامی که پریدیم، پریدیم
شعر کوتاه دیگری با نام یار نو.

روم به جای دگر، دل دهم به یار دگر
هوای یار دگر دارم و دگر دگر
به دیگری دهم این دل، که خوار کرده توست
چرا که، عاشق نو، دارد اعتبار دگر
خبر دهید به صیاد ما، که ما رفتیم
به فکر صید دگر باشد و شکارگر
خموش «وحشی» از انکار عشق او، کاین حرف
حکایتی است که گفתי هزار بار دگر

رباعی زیبایی از وحشی با نام «پند»: